

بررسی نقش مردم در اندیشه سیاسی جنبش اخوان المسلمین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱

سیدصدرالدین موسوی جشنی^۱

عباس علی‌بخشی^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش مردم در اندیشه سیاسی جنبش اخوان المسلمین می‌پردازد. کانون مرکزی جریان ریشه‌دار اخوان المسلمین با شعبات مختلف و قدمتی نزدیک به یک قرن، در کشور مصر قرار دارد. این کشور از دیرباز مهد شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا بوده است. از طرفی اخوان المسلمین به‌عنوان یک جریان معتدل سنی مذهب با سازمان‌دهی منسجم و توان گفتمانی بالا، امکان جذب نخبگان جهان اسلام را دارد. تاکنون جنبش اخوان المسلمین با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های بسیار که متأخرترین آن‌ها رویدادهای انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ و حوادث پس از آن است. تحولات مهمی در حوزه‌های اندیشه‌ای، سازمانی و فعالیتی به‌خود دیده است. به‌نوعی که مهم‌ترین این دگرگونی در حوزه اندیشه سیاسی این جریان است. بر این اساس مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، در پی پاسخ به این سوال است که آیا مردم در منظومه اندیشه‌ای بنیان‌گذاران و متفکران اخوان المسلمین نقش فعال و محوری دارند یا نقش حاشیه‌ای و غیرفعال را دارا می‌باشند؟ یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که هم‌زمان با تحولات سیاسی - اجتماعی، اهمیت یافتن نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی و افزایش سهم دموکراسی‌های انتخاباتی در جهان معاصر، تحولاتی در مبانی اندیشه سیاسی رهبران اخوان از شیخ «حسن البنا» تا «یوسف قرضاوی» به وقوع پیوسته است که زمینه را برای نقش پررنگ‌تر مردم در اندیشه سیاسی اخوان فراهم آورده است. این تحولات به‌گونه‌ای است که برخی از آن‌ها با دیدگاه اولیه رهبران اخوان در تقابل و تضاد قرار دارد. در نتیجه جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در زمینه‌هایی مانند ایفای نقش در حاکمیت، تأکید بر حاکمیت اصل شورا، لزوم مشارکت در انتخابات، آزادی فعالیت‌های سیاسی و تحزب، رعایت حقوق و آزادی‌های اجتماعی - مدنی، داشتن حق انتقاد و اعتراض و زمینه‌های دیگری که باعث ایجاد نقش محوری برای مردم شده است؛ ارتقاء یافته است.

واژگان کلیدی: اخوان المسلمین، اندیشه سیاسی، مردم، مصر.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی (sadrmoosavi@gmail.com)

مقاله پژوهشی

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

صفحه ۸۱-۱۰۸

(نویسنده مسئول: alibakhshi21@yahoo.com)

مقدمه

جنبش اخوان المسلمین در مرکزی موسوم به «دارالإخوان» به تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۲۹ توسط «شیخ حسن البنا»^۱ به‌عنوان «المرشد العام»^۲ موجودیت یافت. البنا از ابتدای فعالیت این جنبش، سه مرحله در راستای تحقق اهداف خویش در نظر گرفته بود:

- مرحله تبلیغ، تفهیم و تفاهم؛
- مرحله جذب، انتخاب و سازمان‌دهی؛
- مرحله عمل؛ که کلیه فعالیت‌های اخوان المسلمین در آن دسته‌بندی می‌شدند (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۲۲).

پس از آن به تدریج شعبه‌های این جمعیت در شهرهای دیگر مصر دایر گردید و حتی برای تربیت زنان نیز مرکزی موسوم به «المهد امهات المسلمین»^۳ تأسیس شد (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۵۷). روزنامه اخوان المسلمین به‌عنوان ارگان رسمی جمعیت منتشر گردید که در آن مقاله‌هایی مستدل آتشین و کوبنده علیه استعمار خارجی و تحت‌الحمایگی دولت مصر نوشته می‌شد. بدین ترتیب اخوان المسلمین با ساختار و تشکیلاتی منسجم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین جریان‌های اسلامی کار خود را آغاز کرد و در این مدت طولانی فراز و فرودهای بسیاری را دیده است؛ اما همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. این جنبش در سطح بین‌المللی تأثیرگذارترین جریان سیاسی اسلام-گرای سنی می‌باشد که در ۱۷ کشور عربی و ۱۰ کشور غیرعرب شعبه دارد و صدها نویسنده، خطیب، متفکر و شخصیت جهانی به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

از طرفی آگاهی و درک مناسب از جایگاه و نقش مردم در امور سیاسی جامعه بسیار مهم و تعیین‌کننده است؛ زیرا تاکنون اهمیت نقش مردم به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده جامعه در اندیشه سیاسی اسلام مورد توجه نبوده؛ بلکه شناخت مشروعیت، شرایط، وظایف و. حاکم از بالا مورد بررسی قرار گرفته است. همین موضوع درباره اخوان المسلمین نیز وجود دارد و با این‌که آثار

.....
۱. حَسَنُ البَنَّا زاده ۱۴ اکتبر ۱۹۰۶ دهکده محمودیه در دلتای رود نیل؛ بنیان‌گذار جمعیت اخوان المسلمین و نخستین مرشد عام آن به سال ۱۹۲۸ در مصر است. وی تأثیر بسیار عمیقی بر اندیشه‌های اسلامی قرن بیستم گذاشته است. البنا در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ توسط عوامل حکومت مصر ترور شد، از او با عنوان «امام شهید» یاد می‌شود.

۲. رهبر عموم

۳. سرزمین مادران مسلمان

بسیاری در زمینه‌ی اندیشه و عملکرد این جریان نگرارش یافته است؛ اما به عنصر مهم مردم در چارچوب اندیشه سیاسی این جریان پرداخته نشده است. بر این اساس در پژوهش حاضر به بررسی نقش مردم به‌عنوان مهم‌ترین رکن دموکراسی دنیای معاصر در چارچوب اندیشه سیاسی جنبش اخوان المسلمین می‌پردازیم و به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا مردم در منظومه اندیشه‌ای اخوان به‌عنوان بازیگران اصلی محسوب می‌شوند یا این که ذیل سایر ارکان، نقش فرعی ایفاء می‌کنند؟ بدین ترتیب ابتدا در مبانی نظری تحقیق نظام اندیشه‌ای جمعیت اخوان المسلمین را بر اساس سه رهیافت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحلیل کرده، آن‌گاه ساختار سازمانی، اصول و اهداف این جریان مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن یافته‌های تحقیق را در قالب بدنه اصلی با تأکید بر نقش مردم در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین بر اساس داده‌های حاصل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الف- مرور پیشینه‌ی تحقیق

اگرچه تاکنون تحقیقات مختلفی در رابطه با جنبش اخوان المسلمین به رشته تحریر درآمده است، اما عمده تمرکز این مطالب بر تاریخچه، سیر تحولات، اندیشه و این جریان بوده و اثری که به‌طور مشخص مردم از دیدگاه اندیشه‌ای اخوان المسلمین را مورد بررسی قرار دهد؛ نگرارش نیافته است. بنابراین می‌توان مهم‌ترین آثار مرتبط با محوریت پژوهش حاضر را به‌طور خلاصه این‌گونه معرفی کرد:

از بین کتاب‌های مختلف با محوریت جنبش اخوان المسلمین می‌توان به کتاب «الاخوان المسلمون، کبری الحركات الاسلامیه المعاصره» (۵۶-۱۹۵۵م) نوشته اسحاق موسی‌الحسینی اشاره کرد که نویسنده با دقت نظر به تحلیل ریشه‌های اصولی و پنداشت‌های جنبش اخوان المسلمین در دوران تأسیس و شکوفایی فعالیت این جمعیت در جهان عرب می‌پردازد. علی اصغر حلبی در کتاب «تاریخ نهضت‌های دینی و سیاسی معاصر» (۱۳۷۴) از کوشش مسلمانان برای کسب آزادی، استقلال، مقابله خرافات، پیکار با استبداد و خودکامگی در کشورهای اسلامی سخن می‌راند و درباره سیدقطب، اقبال لاهوری، ابوالاعلی مودودی و انقلاب مشروطیت نکاتی چند مطرح می‌کند. ریچارد میشل در کتاب دو جلدی «جمعیت اخوان المسلمین» (۱۳۹۵) با تکیه بر منابع و مستندات فراوان به همراه توضیحات تکمیلی و اصلاحی دو تن از شخصیت‌های برجسته اخوانی (در چاپ فارسی کتاب) تاریخ و اندیشه بزرگ‌ترین جنبش سیاسی مصر را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار می‌دهد. کتاب «جنبش‌های اسلامی

در جهان عرب» (۱۳۹۰) تألیف هرایر دکمیجان در دو بخش: بنیادگرایی اسلامی؛ عوامل ظهور، خصوصیات و نمودها و رستاخیز اسلامی در جهان عرب (بررسی موردی) در چارچوب مشخص، نگاهی تحلیلی از جنبش‌های معاصر جهان اسلام از جمله اخوان المسلمین دارد. بهزاد قاسمی در کتاب «اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی؛ از برآمدن حسن البنا تا برافتادن محمد مرسی» (۱۳۹۴) درصدد تحلیل روند نظام‌سازی این جریان و تجربه حکومت‌داری بوده تا نشان دهد چرا اخوان المسلمین مصر نتوانست به گفتمان مسلط جامعه تبدیل شود. «پیشینه‌ی تاریخی و اندیشه سیاسی اخوان المسلمین» (۱۳۹۰) نوشته علی جنتی، ضمن اشاره به نحوه‌ی شکل‌گیری، اصول راهبردی و ابعاد تشکیلاتی اخوان المسلمین، سیر اندیشه سیاسی و تحولات آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان اشاره‌ای به دیدگاه آن‌ها نسبت به دموکراسی دارد. علی اکبر علیخانی و همکاران در مجموعه ۱۹ جلدی «اندیشه سیاسی متفکران مسلمان» (۱۳۹۰) به منظور هویت‌شناسی سیاسی، به طرح و واکاوی اندیشه سیاسی متفکران مسلمان از قرون نخستین اسلامی تا عصر حاضر پرداخته‌اند که در آن اندیشه برخی از رهبران جنبش اخوان المسلمین نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از میان مقاله‌های مرتبط، مقاله «مقایسه اندیشه‌های سلفی اخوان با سلفی‌های جهادی - تکفیری» نوشته مهدی اخلاقی‌نیا (۱۳۸۹) اصول، ارکان و وجوه تشابه و افتراق فکر سیاسی اخوان المسلمین مصر با جماعت‌های جهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. معصومه رادگودرزی در مقاله «سیر تحول ایدئولوژیک اخوان المسلمین مصر و چالش‌های پیش‌رو» (۱۳۹۲) مهم‌ترین تحولات ایدئولوژیک این جنبش در طول حیات سیاسی هفتاد ساله آن را بررسی کرده و معتقد است این تحول و انتقال ایدئولوژیک در تعامل با محیط داخلی، منطقه‌ای و فضای بین‌المللی بوده است. همچنین «بسترهای تاریخی تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر با تأکید بر مسئله نظام سیاسی» که توسط عبدالله عطایی و بهزاد قاسمی (۱۳۹۳) نگارش یافته است، ضمن بررسی تاریخی تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر معتقد است اگرچه این جنبش از گفتمان اندیشه‌های سیاسی نخستین (خلافت و حکومت اسلامی) به گفتمان دموکراتیک گذر کرده است اما ناکامی در برپایی نظام سیاسی و دولت، روند تحولی، تأسیس دولت و بقای اخوان المسلمین را به آینده‌ای نامعلوم واگذار کرده است. در مجموع باید گفت آثار منتشر شده در زمینه‌ی «اخوان المسلمین و مردم» ذیل اندیشه سیاسی این جریان قرار داشته و پژوهش حاضر به صورت مستقل و بدیع این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ب- مبانی نظری

اندیشه از مهم‌ترین عناصر اثرگذار در رفتار سیاسی نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی است و مراحل و مؤلفه‌های خاصی دارد که نقطه تمرکز آن تفکر و تأمل درباره پدیده‌های سیاسی می‌باشد. پدیده‌های سیاسی نیز در جامعه سیاسی تحقق می‌یابند، پس نقطه آغازین بررسی اندیشه سیاسی، نظر به جامعه سیاسی است. با مشخص نمودن نقطه آغازین اندیشه سیاسی می‌توان نقطه ثقل و کانون توجه درباره نحوه کشف عناصر سیاسی و تعاملات ذهنی با آن را روشن کرد. همچنین با توجه به مسلک و مرام عقیدتی و نهادهای فکری، هر گروه نحوه‌ی ارزش‌گذاری خود را در پدیده‌های سیاسی دنبال می‌کند. اندیشه سیاسی، صرف‌نظر از اندیشمندان، فضای اجتماعی و معرفتی آفرینش آن، پاسخی به یک بحران یا نیاز سیاسی و اجتماعی است (علیخانی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). اندیشه سیاسی به عملی شدن فلسفه و بنیان‌های معرفت و شناخت سیاسی نهفته تأکید دارد. در واقع، اندیشه سیاسی می‌کوشد برای یافتن الگویی عملی، مفاهیم مدنظر سیاست را عینی و آشکار سازد.

به سخنی دیگر اندیشه سیاسی در تأسیس نظام سیاسی نقش اساسی ایفاء می‌کند و از میان آن‌ها نتیجه مطلوب خود را در می‌یابد. بر این اساس، در بحث نظری، هدف نهایی این است که مطلوبیت‌های شناخته شده در عرصه عمل تحقق یابد. در واقع اندیشه و فکر سیاسی ویژگی عمل-گرایانه‌تر دارد و از حالت صرف انتزاع در فلسفه سیاسی فاصله می‌گیرد (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۱۳). اخوان المسلمین به‌عنوان یک جریان مهم سیاسی - اجتماعی دارای اندیشه نظام‌مند، رفتار معین مرتبط با آن اندیشه را بروز داده و با عضوگیری و فعالیت به‌عنوان یک تشکل اجتماعی محسوب می‌شود. بر این اساس این جمعیت حول محور یک اندیشه و تفکر مشخص با مرجعیت، اهداف و اثرگذاری، خود را در ساحت اجتماعی مصر عرضه نموده است. به همین دلیل، واکاوی اندیشه سیاسی منتسب به گروه‌های سیاسی نظیر جنبش اخوان المسلمین مصر، بهترین راه برای شناخت ماهیت عملکرد سیاسی این جریان به شمار می‌آید. بر این اساس اعتقاد اخوان به فعالیت و مبارزه سیاسی در راستای رسیدن به آرمان‌های جامعه اسلامی به‌عنوان یک وظیفه اساسی را می‌توان در قالب نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این‌گونه تبیین کرد:

۱- نظام اجتماعی

اخوان المسلمین مبنای دعوت خود را بر زیربنای مستحکمی بنیان نهادند که اساس آن «فرد صالح»

است؛ لذا تربیت و پرورش افراد، گامی مهم به‌سوی جامعه اسلامی سالم می‌باشد؛ زیرا فرد در شریعت اسلامی هسته اولیه جامعه را تشکیل می‌دهد. ولی نخستین ستون در جامعه، پیروی از دین اسلام است و هر کس بدان بگردد پیمانی محکم بر گردن دارد. این پیمان برای فرد قبل از جامعه‌اش حقوقی مترتب می‌شود و تعهداتی برقرار می‌نماید، هر چند که به دور از محل تجمع مسلمانان یا آنچه میهن اسلامی می‌نامیم، زندگی کند. در واقع میهن مسلمانان در این بینش اسلامی هر سرزمینی است که مسلمانان در آن قدم گذارده باشد (دکمیجان، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

در اندیشه اخوان فردگرایی مطلق نیست، بلکه مقید به ضوابطی در چارچوب جامعه اسلامی است که می‌تواند بنیان آن را تقویت کند. در اسلام مصلحت فرد و مصلحت جامعه دارای پیوستگی بوده و میان این دو مصلحت تضاد واقعی وجود ندارد. اساس فداکاری در راه جامعه و آرمان‌های والای آن با فداکاری در راه استفاده شخصی هم‌سنگ است، خواه این استفاده معنوی یا مادی باشد. خانواده نیز به‌عنوان یک واحد برای بقای زندگی یا به‌عنوان نظام پایدار برای تجدید حیات لازم است که در این صورت اسلام میان مرد و زن توازن برقرار کرده و پاکدامنی همسران، حقوق و وظایف هر یک را مشخص نموده است (موسی‌الحسینی، ۱۳۸۷: ۷۸). بر اساس همین عقاید است که اخوان-المسلمین از ارزش‌های مادی، لیبرالی و سوسیالیستی روی برتافته و آن‌ها را نكوهش می‌کنند. زیرا این ارزش‌ها در واقع از قانونی نادرست سر برآورده‌اند که ساختار آن مادی و ارزش‌های ثابت در این مکتب‌ها بسته به عرف و منطق آن‌ها، ناپایدار است.

۲- نظام سیاسی

اصل مورد قبول اخوان‌المسلمین این است که منبع حاکمیت «خداوند متعال» همان منبع زندگی و هستی است. انسان جانشین خداوند در روی زمین است و نمی‌تواند با اراده کسی که او را به جانشینی منصوب کرده، مخالفت کند. اراده خداوندی در رسالت محمد(ص) تجلی یافته است و در این رسالت مقرر گردیده که هر گروه مسلمان ناگزیر از داشتن امیر یا حاکمی هستند. امیر با اراده آزاد ملت برگزیده می‌شود تا آنچه را که در رسالت آمده است به اجرا بگذارد. اما امور جامعه اسلامی به صورت شورایی اداره می‌گردد و هیچ یک نباید ادعای عصمت نماید یا مطابق نظر خود امور را به پیش برد. اولی‌الأمر و اهل شورا با اجتهاد خود اموری را که نص صریح نیامده است، کشف می‌کنند. در واقع حاکمیت اهل شورا برای مردم و حکومت به‌طور یکسان و برابر است. از دیدگاه

اخوان المسلمین در دوره جدید، ارجح آن است گزینش و انتخاب اولی‌الأمر و اهل شورا توسط مردم صورت بگیرد (زگال، ۱۳۸۰: ۱۲۴). وظایف اولی‌الأمر یا شورا در دو مورد اصلی زیر قرار دارد:

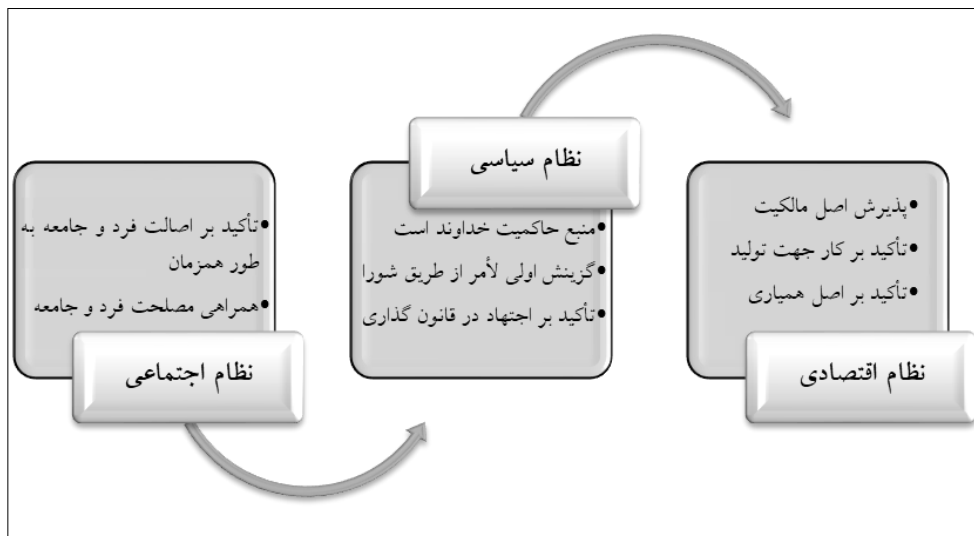
- نظارت بر حکومت در راستای اجرای شریعت؛
 - اجتهاد در قانون‌گذاری در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای روز؛
- از طرفی اخوان المسلمین دموکراسی غربی را قبول ندارند و اگر گفته شود که دموکراسی به معنای آن است که منبع حاکمیت در جامعه سیاسی «ملت» باشد، می‌گویند که اسلام بزرگ‌ترین مکتب آرمانی است که برای «اراده ملت» احترام قائل شده است؛ ولی با این شرط که این اراده با قانون الهی تضاد نداشته باشد. در این میان نباید حقوقی همچون آزادی‌های اساسی منصوص در شریعت را از کسی سلب کرد. اسلام چارچوب‌های حاوی این اندیشه را باز گذارده تا بدون حد و مرز به اجرا درآید. این امر بیان‌گر دوران‌دیشی دین اسلام نسبت به دگرگونی محیط‌ها، زمان‌ها، تفاوت عرف‌ها و تمدن‌ها است (جنتی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۳- نظام اقتصادی

در اندیشه اخوان المسلمین نظام اقتصادی، همانند نظام سیاسی از شریعت اسلامی گرفته می‌شود، زیرا خداوند متعال به‌تنهایی مالک همه چیز است. کار در اسلام، تولید است و هر تولید تناوب را به دنبال دارد. تولید متناوب به‌منظور مصرف و رفع نیازهای اقتصادی صورت می‌گیرد (نقوی، ۱۳۶۰: ۸۴). اخوانی‌ها مبانی اساسی نظام اقتصادی خود را این‌گونه ترسیم کرده‌اند:

- مالکیت اموال محدود و مشروط به استخلاف است؛
 - کار بی‌پاداش و پاداش بدون کار نیست؛
 - غنیمت در تلاش و تکاپو است؛
 - عدم زیان‌پذیری و عدم زیان‌رسانی؛
 - مسلمانان یار و یاور یکدیگر هستند و تأمین مایحتاج کوچک‌ترین آن‌ها برعهده همه آن‌ها است.
- این جریان همچنین درباره مالکیت معتقد است مسلمانان می‌توانند هر آنچه را خداوند حلال دانسته به روش مشروع مالک شوند. بنابراین حق مالکیت تضمین شده است و تنها به حلال بودن ملک و وسیله مالکیت، محدود می‌گردد. اما حق بهره‌برداری مقیدتر است، زیرا مالک باید مبانی کلی را به‌گونه‌ای رعایت کند که بر هیچ‌یک خللی وارد نسازد. مالک می‌تواند از طریق خرید، فروش، رهن

و ... در ملک خود تصرف کند، مشروط بر این که در حدود مقررات باشد. اسلام مجاز نمی‌داند که فرد به گونه‌ای در ملک خود تصرف کند که به دیگران زیان برساند. اگر نظام اقتصادی اسلام اجرا شود، فرد نمی‌تواند پول را نگه دارد و ناچار به هزینه کردن آن، خواه برای دستیابی به کالاهای مصرفی یا تولید است. در هر دو مورد پول بی‌وقفه در گردش می‌ماند و هر گردش پول افزایش سود را در پی دارد که به افزایش قدرت خرید و در نتیجه افزایش تقاضا برای کالاها می‌انجامد و به نوبه خود تولیدکنندگان را به افزایش تولید تشویق می‌نماید. این به معنای افزایش تقاضا برای نیروی انسانی و بالا رفتن دستمزدها است. اسلام حاوی اصل همیاری افراد جامعه اسلامی است، این اصل در عین حال که ارزش‌های اخلاقی را در بردارد، متضمن ارزش‌های مادی نیز می‌باشد، زیرا همیاری تنها موعظه‌ی حسنه یا فضیلتی نیست که مردم از آن سخن می‌گویند. بلکه همیاری حق هر مسلمان و وظیفه اوست که این با زکات می‌تواند محقق شود و زکات نیز حق خداوند در مال است. پس زندگی اقتصادی باید تحت تسلط ارزش‌های معنوی اسلامی قرار گیرد (موسی‌الحسینی، ۱۳۸۷: ۸۱-۷۹). بنابراین اخوان‌المسلمین هرگز از احقاق حق کارگر، دستگیری از پافشاران و توسعه اقتصادی متعادل غفلت نورزیده و معتقد است افرادی که توان کار کردن ندارند باید تحت تکفل جامعه قرار گیرند.



شکل ۱. چارچوب اندیشه‌ای جنبش اخوان المسلمین

(منبع: نگارنده)

پ- روش تحقیق

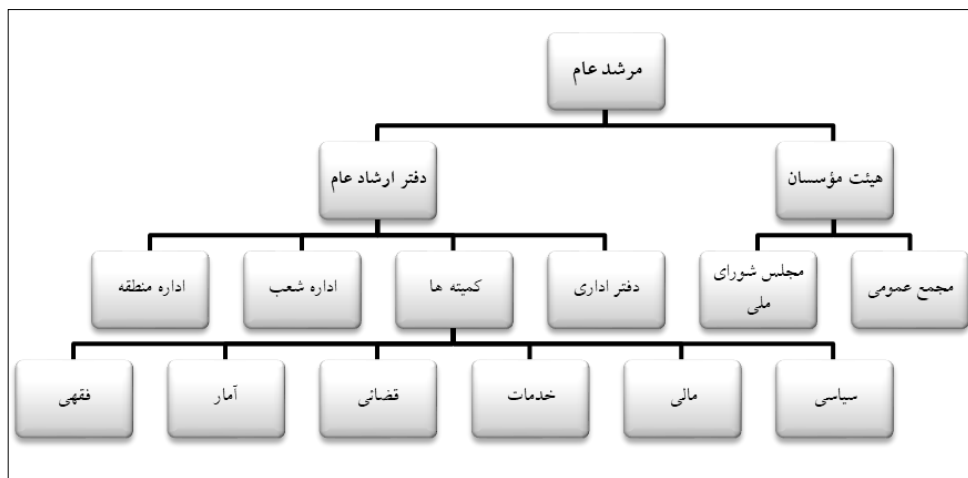
این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی با روش توصیفی - تحلیلی به گردآوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای - اسنادی در چارچوب استفاده از کتب، مقالات و منابع اینترنتی می‌پردازد. نوع تحلیل این مقاله، درون متنی و بر مبنای آثار و نوشته‌های رهبران و متفکران جماعت اخوان المسلمین می‌باشد. در این روش ضمن مراجعه و فیش‌برداری از منابع مربوطه به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته و نتایج مطالعات در روند تحقیق قرار گرفته است.

ت- ساختار تشکیلاتی

ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین شامل هیئت رئیسه‌ای مرکب از مرشد عام، دفتر ارشاد عام و هیئت مؤسسان (شورای مشورتی) است. مرشد عام، رئیس کل جمعیت بوده و سرپرست دفتر ارشاد عام و رئیس هیئت مؤسسان است. مرشد عام اخوان توسط هیئت مؤسسان یا شورای مشورتی با حداقل چهار سال سن و پانزده سال سابقه عضویت با دوره مسئولیت شش ساله و تنها یکبار انتخاب مجدد صورت می‌گیرد. این گونه انتخاب سبب اعمال محدودیت‌هایی برای رهبری جمعیت شده است. تاکنون ۹ مرشد عام ریاست جمعیت اخوان المسلمین را برعهده داشته است که به ترتیب عبارتند از: حسن البنا (۱۹۴۹-۱۹۲۸)، حسن الهضیبی (۱۹۷۳-۱۹۴۹)، عمر التلمسانی (۱۹۸۵-۱۹۷۳)، محمد حامد ابوالنصر (۱۹۹۶-۱۹۸۶)، مصطفی مشهور (۲۰۰۲-۱۹۹۶)، مأمون الهضیبی (۲۰۰۴-۲۰۰۲)، محمد مهدی عاکف (۲۰۱۰-۲۰۰۴)، محمد بدیع (۲۰۱۳-۲۰۱۰)، محمود عزت (از ۲۰۱۳ تاکنون). هیئت مؤسسان با نظارت عالی به عنوان مرجع قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری اخوان المسلمین از دو مجلس شورای عام و مجمع عمومی برای دفتر ارشاد عام تشکیل شده است و دفتر ارشاد عام ساختار اداری، آموزشی و تبلیغاتی جمعیت می‌باشد (حلی، ۱۳۷۴: ۱۵۸).

دفتر ارشاد عام ۱۲ عضو دارد که اعضای آن از بین هیئت مؤسسان انتخاب می‌شوند. هیئت مؤسسان متشکل از اعضای مؤسس با سابقه جمعیت است که وظیفه آموزشی، ارشادی، تبلیغاتی و نظارتی دارند. دفتر ارشاد عام اخوان المسلمین در راستای بیداری جهان اسلام تشکیل گردیده و اعضای آن موظف به رازداری و شرکت منظم در جلسات هستند. وجود دفتر جهانی ارشاد عام بر گسترش فعالیت اخوان المسلمین در بیرون از مرزهای مصر مؤثر بوده است، چرا که هیئت‌های تبلیغی برای جذب به کشورهای مختلف عربی و اسلامی فرستاده شده‌اند. در واقع سازمان اخوان المسلمین

کشورهای مختلف در یک تشکیلات بین‌المللی تحت عنوان «تنظیمات عالمی» زیر نظر اخوان المسلمین مصر مشارکت دارند. ساختار اداری این جمعیت به چهار بخش دفتر اداری، کمیته‌ها، اداره شعب و اداره منطقه تحت نظارت دفتر ارشاد عام قابل تقسیم است. بودجه جمعیت به وسیله جمع‌آوری حق عضویت، هدایا و اوقاف تهیه می‌شود. علاوه بر این شعبه‌های اخوان المسلمین در سطح مناطق و شهرهای مختلف دارای مجلس اداری هستند که توسط مجمع عمومی همان شعبه انتخاب می‌شوند و به فعالیت می‌پردازند. نمودار زیر ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین را به خوبی نشان می‌دهد:



شکل ۲: ساختار تشکیلاتی جمعیت اخوان المسلمین

(منبع: نگارنده)

با در نظر گرفتن تغییرات اساسی که صحنه سیاسی مصر پس از برکناری «محمد مرسی» از ریاست جمهوری (۲۰۱۳) به خود دیده است، اخوان المسلمین نیز تغییرات سازمانی و ایدئولوژی قابل توجهی تجربه نموده است. اخوان در دوره پس از مرسی اقدام به تأسیس نهادهای غیررسمی در قالب سازمان رسمی خود کرده است. این نهادها شامل گروه‌های مختلفی می‌باشد که اقدام به انتشار پیام‌های سیاسی و سازمان‌دهی اعتراضات می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). توقیف دسته‌های اعضای اخوان سبب شده است تا فعالیت‌های این جنبش حالت غیرمتمرکز به خود بگیرد و موجب درهم شکستن روابط سلسله مراتبی آن گردد. این موضوع باعث افزایش قدرت اعضای حلقه‌های پایین‌تر در سطح منطقه‌ای شده است؛ چرا که سازمان‌های خرد بهترین تاکتیک برای اجرای سیاست‌های

جنبش با پرداخت کمترین هزینه است. اکنون ساختار خوشه‌ای جایگزین ساختار سلسله مراتبی سنتی اخوان شده و حلقه‌های سه نفره جایگزین حلقه‌های هفت نفره گردیده است تا خطرات امنیتی برای فعالیت کاهش یابند. در واقع بازتولید ایدئولوژیکی و مذهبی جنبش یکی از مهم‌ترین اهداف اخوان المسلمین پس از مرسی بود که تربیت نیرو در این میان نقطه کلیدی برای نیل به این مهم است.

ث- اصول و اهداف

شعار شناخته شده اخوان المسلمین «الاسلام هو الحل: اسلام تنها راه حل» است. اما شعار اصلی آن‌ها که هدف و نقشه راه را ترسیم می‌کند، چنین است: «الله غایتنا و الرسول قدوتنا و القرآن دستورنا و الجهاد سبیلنا و الموت فی سبیل الله اسمى امانینا: خداوند هدف ما، پیامبر الگویی ما، قرآن قانون اساسی ما، جهاد راه ما و مرگ در راه خدا، والاترین آرزوی ما است» (عاکف، ۱۳۸۹: ۵۸). حسن البنا در تبیین این شعار و ترسیم نقشه راه، اخوان را گروهی دینی و مجموعه‌ای سیاسی معرفی می‌نماید. وی از این طریق مجوز ورود اخوان المسلمین به عرصه سیاسی را صادر کرد که منجر به ایفای نقش فعال سیاسی این جنبش در قبال تحولات جهان اسلام و عرب گردید. اصولی که البنا بر آن اعتقاد داشت عبارت بودند از:

- اجتناب از جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای؛
 - استراتژی گام به گام؛
 - استفاده از ظرفیت نیروهای مختلف؛
 - تشکیل حکومت اسلامی؛
 - مقابله با استعمار و تهاجم (موسی‌الحسینی، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۶۹).
- همچنین اخوان المسلمین از طریق کانال‌های مختلف در پیش‌برد و گسترش فعالیت‌های خود جهت رسیدن به اهداف مذکور استفاده می‌کنند که می‌توان آن‌ها را در ۵ روش زیر این‌گونه خلاصه کرد:

۱- سلسله مراتب

به شکل هرمی از رأس به قاعده و از قاعده به رأس که در تحول و حرکت بسیاری از مؤسسات رسمی، دولتی، اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است.

۲- شاخه نظامی

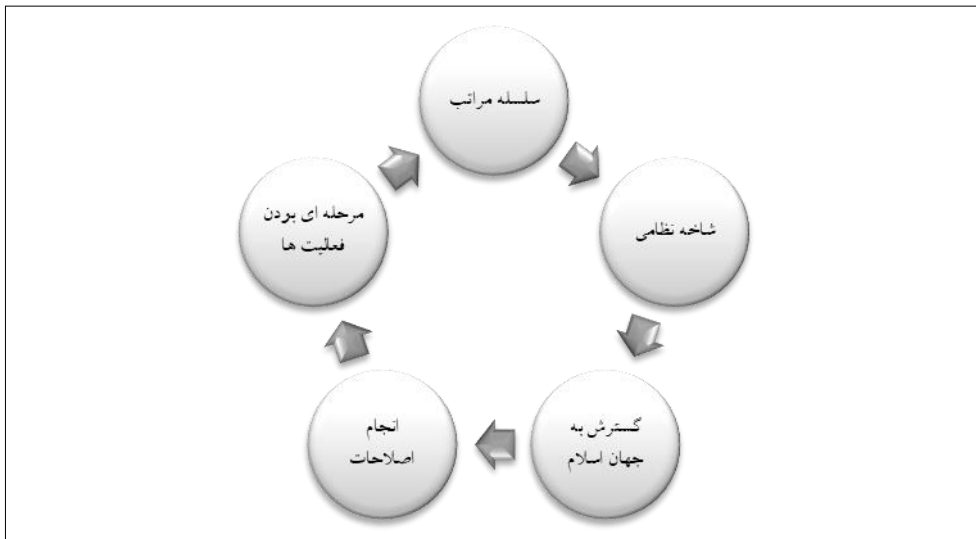
از ستون‌های اولیه تشکیل دهنده اخوان المسلمین است که در جریان جنگ سال ۱۹۴۸ فلسطین در کنار نیروهای عربی علیه اسرائیل و در سال ۱۹۵۱ از افسران ارتش مصر پشتیبانی کرد. تحرکات نظامی و ترورهای سیاسی از ابزارهایی بود که شاخه نظامی اخوان در دهه ۱۹۴۰ با هدف تغییرات اجتماعی و سیاسی به‌عنوان خشونت علیه حکومت از آن استفاده کرد.

۳- گسترش به جهان اسلام

جمعیت اخوان المسلمین محوری برای پیوند حرکت‌های اسلامی در کشورهای دیگر شد. دعوت به وحدت دو جهان عربی و اسلامی، استقلال و عدم جهت‌گیری به‌سوی شرق یا غرب یکی از مهم‌ترین اهداف و شعارهای این جریان است (هدایت، ۱۳۸۶: ۸۸).

۴- اصلاحات

جنبش اخوان المسلمین برنامه اصلاحی وسیعی در راستای برقراری عدالت اجتماعی، برابری، آزادی، صلح و چگونگی حل مشکلات عمومی تهیه و تدوین کرد. این اصلاحات محبوبیت مردمی زیادی برای اخوان خصوصاً بین طبقات فقیر که اکثریت مردم مصر را تشکیل می‌داد، به وجود آورد.



شکل ۳: راهبردهای جنبش اخوان المسلمین جهت دستیابی به اصول و اهداف

(منبع: نگارنده)

۵- فعالیت مرحله‌ای

اخوانی‌ها معتقد بودند مراحل متعددی وجود دارد که حرکت آن‌ها باید از آن عبور کند تا به هدف خود برسد؛ نهایتاً این مراحل به عملی ساختن شرع خداوند در زمین منجر می‌شود (علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

ج- اخوان المسلمین و نقش سیاسی مردم

چگونگی و جایگاه نقش مردم در نظریه اهل سنت با عنوان شورا مطرح می‌شود. اندیشمندان سنی بر اساس «الگوی خلافت» شورای «اهل حل و عقد» را در کنار شیوه‌های دیگری همچون استخلاف و ... در نظام سیاسی اسلامی پس از پیامبر (ص) به رسمیت می‌شناسند (قوی، ۱۳۹۴: ۹۵۳). از طرفی مهم‌ترین دغدغه حسن‌البناء، آگاهی و مقابله مردم نسبت به استعمار و آثار مخرب آن بوده است. وی تشکیل حکومت اسلامی را بر مبنای «مسئولیت حاکم در برابر خدا و مردم، وحدت امت در چارچوب برادری و حق امت در کنترل حاکمان» تعیین نمود (البناء، بی‌تا، الف: ۱۸۵). البناء به‌عنوان متقاضی نمایندگی مجلس در انتخابات شرکت و به این نهاد راه یافت، به همین سبب نظام پارلمانی را متناسب با قانون اساسی مبتنی بر نظام اسلامی می‌دانست.

پس از ترور حسن‌البناء به علت سیاست طرد و عدم تحمل دیدگاه‌ها، دوران بحرانی بر جمعیت اخوان المسلمین آغاز شد تا این‌که سیدقطب^۱ در سال ۱۹۵۳ رسماً به عضو اخوان المسلمین شد. در این دوره وی نقش محوری یافت و به‌عنوان ایدئولوگ مبارز، حرکت اخوان المسلمین که به سستی گراییده بود را به رادیکال‌گرایی مبدل ساخت. سیدقطب از مهم‌ترین تئوریسین‌های اخوانی است که اندیشه‌های او در شکل‌گیری جریان رادیکالیسم اسلامی و ظهور گروه‌های شبه‌نظامی در سراسر جهان اسلام نقش بنیادین داشته است (رادگودرزی، ۱۳۹۲: ۱۶۰). سیدقطب در سراسر آثار خود درصدد تبیین جهان‌بینی اسلام با طرح قواعد مشخص جهت برتری آن بر سایر ایدئولوژی‌های جهانی بود.

تحول دیگر ایدئولوژیک جریان اخوان المسلمین پس از اعدام سیدقطب و شکست مصر از اسرائیل در دهه نود میلادی روی داده است. در این دوره متفکرین اخوانی مطالعات جدیدی در زمینه

۱. سیدقطب متولد ۹ اکتبر ۱۹۰۶ روستای موشه در استان اسیوط مصر؛ نویسنده و نظریه‌پرداز مصری که به دلیل بازنگری در تأثیر برخی مفاهیم اسلامی بر تحولات سیاسی و اجتماعی نظیر جهاد مشهور است. برخی از مخالفان وی را آموزگار گفتمان تکفیر در سده بیستم می‌دانند. سیدقطب در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۶۶ با حکم دادگاه به دار آویخته شد.

علوم انسانی بر اساس اصول اسلامی انجام دادند و تفسیر نوینی از حقوق مردم و جامعه در چارچوب اسلام ارائه نمودند. آن‌ها بر ضرورت و امکان اجتهاد نوین برای حل مشکلات جهت انطباق با مسائل روز بر مبنای واقعیت با پای‌بندی به اصول تأکید می‌کردند. این نوع نگاه در جریان اخوان‌المسلمین باعث ظهور چهره‌های اسلام‌گرای معتدل و اصلاح‌طلبی همچون شیخ یوسف قرضاوی^۱ شد که خود بیان‌گر به حاشیه رفتن اندیشه‌های سیدقطب بود. با این توضیحات باید گفت نقش مردم در اندیشه سیاسی اخوان‌المسلمین نیز تحولاتی را پشت سر نهاده و با مرور زمان اهمیت بیشتری یافته است. بررسی جایگاه مردم در نظام سیاسی و اندیشه‌ای اخوان را می‌توان در چارچوب‌های زیر این‌گونه توضیح و مورد بررسی قرار داد:

۱- نقش مردم در حاکمیت

حسن البنا با تبیین عناصر تشکیل دهنده دولت اسلامی در سه عنصر مهم حاکمیت الهی، امت اسلامی و وطن اسلامی به ترسیم حکومت اسلامی مورد نظر خویش می‌پردازد. وی با اعتقاد به این‌که دولت قدرت حاکمیت خود را مستقیماً از مردم می‌گیرد نه خدا، بر نقش مهم مردم در حاکمیت تأکید و حکومت موروثی را رد می‌نماید (اصلانی و مرندی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰). در همین راستا او ضمن تأکید بر سازگاری اصول دموکراسی با حاکمیت الهی، رابطه زمامدار با مردم را در چارچوب قرارداد اجتماعی دانسته و حق حاکمیت مردم در سیاست را به رسمیت می‌شناسد.

از نظر سیدقطب نقش مردم در نظام سیاسی اسلام یا حکومت اسلامی انتخاب مجریان شریعت است. اما شخصی که اجرای قانون را برعهده دارد، تنها مجری قانون است که آن را از طریق انتخاب مردم به دست آورده است و نقش قانون‌گذار نخواهد داشت. در صورت بروز اختلاف نظر میان مجریان نیز حکم مسئله را قانون شریعت مشخص می‌کند. به این ترتیب پذیرش فرمان، اطاعت از شخص نیست، بلکه فرمان‌برداری از شریعت خداست که مجری به اجرای آن اقدام کرده است. پس در صورت تجاوز مجری قانون از شریعت خداوند، ریاست و فرمان‌برداری وی نیز ساقط می‌شود

.....
۱. متولد ۹ سپتامبر ۱۹۲۶ استان غربیه مصر؛ عالم دینی سنی مذهب، رئیس و مؤسس اتحادیه جهانی علمای مسلمان می‌باشد. وی یکی از اصلی‌ترین تئوریسین‌های جریان موسوم به «الوسطیة» و از تربیت شده‌های مدرسه حسن البنا و اخوان‌المسلمین است. شهرت قرضاوی به دلیل کتاب‌ها، برنامه‌های دینی تلویزیونی و موضع‌گیری علیه برخی حکام عرب و سران کشورهای عربی است. وی در تحولات موسوم به بهار عربی به‌شدت از خیزش مردم در تونس، مصر، یمن و لیبی حمایت کرده است.

(قطب، ۱۹۵۳: ۱۷-۱۶). سیدقطب تفویض حاکمیت به غیر از خداوند را نوعی شرک می‌داند چرا که از نظر وی حاکمیت صرفاً به خدا تعلق دارد، از طرفی دیدگاه‌های وی در مورد حاکمیت «الله» به معنای اعتقاد محض به نظام تئوکراسی نیست. در واقع سیدقطب، نخستین و اساسی‌ترین گام در گشایش وضعیت کنونی در جهان اسلام را حاکمیت خداوند می‌داند تا همه امور بر مبنای قوانین الهی تنظیم شود. این مهم نیز از طریق ایجاد جماعتی از مؤمنان پیشتاز و پیش‌گام صورت می‌گیرد که در راه احیای ارزش‌های اولیه و اصیل اسلامی تلاش می‌کنند. در نهایت، با تلاش و مجاهدت این گروه، دولت اسلامی تأسیس می‌شود و با عمل به رویه خود، کلید حل تمامی مشکلات را در اختیار بشر می‌گذارد.

این در حالی است که شیخ یوسف قرضاوی معتقد است در اسلام، حاکم وکیل خداوند و دارای حق الهی در روی زمین نیست. بلکه حاکم وکیل مردم است که توسط آن‌ها انتخاب و اختیار می‌شود، مردم او را به پرسش و انتقاد می‌گیرند و همچنان که حاکم را نصب کرده‌اند، اگر شرایط نصب را از دست داد، عزلش می‌کنند (قوی، ۱۳۹۴: ۹۵۴). وی ضمن تأکید بر حاکمیت الهی تنها در بُعد تشریحی، مشروعیت قدسی حکومت اسلامی را نادیده می‌گیرد و با طرح نظریه «دولت مدنی» قدرت حاکمیت را برخوایسته از اراده مردم می‌داند. شاید برای همین مصطفی مشهور، قائم مقام رهبری اخوان المسلمین در سال ۱۹۹۵ تنها تردید اخوان نسبت به دموکراسی را چگونگی واگذاری حاکمیت به مردم می‌داند چون این حاکمیت باید در چارچوب شریعت باشد (Howeidy, 1995: p15). در واقع وی اصل حاکمیت خداوند که اساس قانون‌گذاری و تشریح در جامعه اسلامی می‌باشد را با اصل حاکمیت مردم که بر پایه دموکراسی و مردم‌سالاری استوار است در تضاد نمی‌بیند.

۲- تحول از امت‌گرایی به ملی‌گرایی

مفهوم امت اسلامی یکی از مفاهیم کلیدی است که از روزهای آغازین پیدایی جهان اسلام و اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر حکومت اسلامی، ذهن مسلمانان را به خود مشغول کرده است. امت اسلامی، مفهومی کل‌گرا است و شامل تمام مسلمانان دارالاسلام می‌شود که پیش از انشقاق کشورهای اسلامی در عصر مدرن، تحت لوای حکومت اسلامی و خلافت تعریف می‌شدند. برخلاف مفهوم امت، مفهوم ملت و ملیت با ظاهر و تعاریف معاصر، مفهومی مدرن به حساب می‌آید و به‌رغم سابقه قومیت‌گرایی‌های مختلف در تاریخ اسلام، به دلیل تعارض با مفهوم امت و عدم همخوانی با مفهوم

جدید ملی‌گرایی، قومیت‌گرایی در سازوکار اعتقادی مسلمانان و جوامع اسلامی سنتی و ماقبل مدرن، تعریف نمی‌شد (قربانزاده، فاضلی‌نیا و ترابی، ۱۳۹۶: ۱۵).

اخوان‌المسلمین از آغازین روزهای تأسیس، مفهوم «امت» را پررنگ‌تر از مفهوم «ملت» دنبال کرده است اما می‌توان رگه‌هایی از «ملی‌گرایی عربی» را در دیدگاه مؤسس این جریان پیدا کرد. عنصر جمعیت در اندیشه حسن البنا به جای مفهوم ملت که بر اشتراکات فرهنگی، تاریخی، روانی و نژادی تأکید دارد، بر مفهوم امت استوار بود که جنبه عقیدتی صرف داشت و از این لحاظ از معنای ملت متمایز است (البنا، ۱۹۹۲: ۳۲۵). در اندیشه وی مرز عقیده دینی جایگزین مرز جغرافیایی و تعیین کننده حدود امت اسلامی است. در واقع اعتقاد به توحید، نبوت، شریعت، قرآن و سنت فرد را جزء اعضای امت اسلامی قرار می‌دهد، از این رو «ملی‌گرایی جغرافیایی» از دیدگاه البنا مردود است: «هنگامی که می‌گویم وطن، منظوم مصر به تنهایی نیست بلکه مقصودم تمام کشورهای عربی و دولت‌های اسلامی است. وطن ما اخوان‌المسلمین هر وجب از سرزمینی است که در آن یک مسلمان باشد و شعار "لا اله الا الله" را افراشته باشد» (البنا، ۱۹۹۲: ۳۲۶). بر همین اساس نیز دولت مورد تأیید اسلام را مبتنی بر نظام خلافت می‌داند، البته اندیشه دولت خلافت نزد البنا در زمره‌ی نظریه‌های جدید خلافت و بیان‌گر نوعی نظریه «دولت اسلامی» است که تمایلات مردم‌گرایانه داشته و ضمن توجه به برخی اندیشه‌ها و عقاید گذشته، عناصر دولت ملی را نیز مورد توجه خود قرار می‌دهد (اصلائی و مرندی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). او برادری اسلامی را تنها چارچوب مقبول و هویت‌ساز جامعه اسلامی می‌داند و دیگر ارتباطات مفهومی همچون ادعای ملی‌گرایان، لیبرال‌ها و پان‌عربیست‌ها را عامل شکل‌گیری بحران هویت در جامعه اسلامی می‌داند. برادری اسلامی در اندیشه البنا بر دو رکن برادری در دین و برادری در سرزمین به طور هم‌زمان استوار است. او بر اساس آموزه‌های دینی که همه مؤمنان را برادر می‌داند، این مفهوم را پردازش می‌کند.

از طرفی سیدقطب با هر نوع وطن‌دوستی یا ناسیونالیسم مخالف بود و در مقابله با وفاداری‌های ملی و طایفه‌ای، تنها وفاداری به اسلام و خداوند را طلب می‌کرد؛ لذا مشروعیت رژیم‌های کشورهای اسلامی را که بر پایه غلبه یا انتخاب و تأیید مردم بنا شده بود، رد می‌کرد و آن را برخلاف شرایع اسلام می‌دانست. وی معتقد بود اسلام در جامعه اسلامی جاری و امت اسلامی نام گروهی از مردم است که رفتار، اندیشه، ارزش و قانون اسلامی دارند. سیدقطب نه تنها مسئله ملیت را در پیروزی اسلام نامهم می‌دانست که به‌رغم رویکردهای پان‌عربیسم آن را با اسلام متضاد می‌خواند. شکاف

سیاسی اصلی انسان‌ها از دیدگاه او میان امت اسلامی و جهان جاهلی ضداسلامی است که آن‌ها را به دو قلمرو دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کرد (صادقی و چیت‌سازیان، ۱۳۹۲: ۵۵). سیدقطب با بیان تصویری منفی از جامعه عربی قبل از اسلام که مبتنی بر شرافت‌ها و تعصب‌های قومی و خانوادگی بود، تأکید می‌کرد که اولین و مهم‌ترین موفقیت اسلام جایگزین کردن ارزش‌های انسانی با این تعصب‌ها بوده است (قطب، ۱۳۷۲: ۷۵). به اعتقاد سیدقطب همه اشکال تعصبات قومی، نژادی و وطن‌پرستانه از ویژگی‌های جامعه جاهلی است و در اندیشه اسلامی پذیرفته نمی‌شود؛ او می‌گفت سرزمینی که باید فرد مسلمان خود را متعلق به آن بداند و از آن دفاع کند «دارالاسلام» است.

اما طی دهه‌های اخیر عقاید سیاسی و مذهبی اخوان المسلمین به‌گونه‌ای شکل گرفته است که برخلاف عقاید ضدملی‌گرایی سیدقطب، مخالفت جدی و سرسختانه‌ای با این مفهوم نکرده است. نوع نگاه جدید اخوانی‌ها به ملی‌گرایی متأثر از فضای عمومی ناسیونالیسم در جهان عرب می‌باشد. به‌گونه‌ای که در حال حاضر تأکید بر ملت و ملیت در اندیشه اخوان المسلمین به‌آرامی از یک تاکتیک فراتر رفته و به‌عنوان بخشی از برنامه‌های آن، این جمعیت را تحت تأثیر قرار داده است (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). به این ترتیب طی روندی با تشکیل و به‌رسمیت یافتن شعبه‌های بومی و ملی اخوان المسلمین، این جریان با کاستن از نقش جهانی خود (امت‌گرایی) تمرکز بیشتری به مسائل داخلی (ملی‌گرایی) داشته است.

۳- حاکمیت اصل شورا

به نظر متفکران اخوانی فلسفه شورا در اسلام، کنترل مردم بر مردم در چارچوب قوانین الهی است. پس باید این نکته را در نظر داشت که اولویت با اعمال و اجرای شریعت اسلام نه حکومت شخص یا طبقه‌ای خاص است. هدف اساسی رهبران اخوان المسلمین، برقراری نظامی است که به یک رشته اصول شرعی پای‌بند باشد و بنابراین شریعت اسلامی به‌عنوان یک اصل مسلم و لایتغیر، بر دولت اسلامی اولویت می‌یابد. دموکراسی و شورا از دیدگاه حسن البنا از طریق شورای قانون‌گذاری که منافع مردم را نمایندگی می‌کند اعمال می‌شود، زیرا اعضای آن در راستای دستیابی به منافع مردم از طریق انتخابات آزاد و عادلانه انتخاب شده‌اند. از طرفی وی معتقد است شورای قانون‌گذاری که در آن نظرات گروهی نه فردی اعمال می‌شود، نباید برخلاف قانون الهی باشد.

نکته مهم و ضروری این است که در دموکراسی اخوانی شریعت باید بر دولت محاط شود و البته

نوع حکومت، مدنی و مبتنی بر فرآیندهای دموکراتیک است. اصل شورا که در نظریه‌های سنتی اهل سنت تحت الشعاع اصل خلافت و شخص خلیفه قرار داشت، در نظریه‌های جدید اسلام‌گرایی و به‌ویژه تئوری‌های میانه‌روی نظیر اخوان‌المسلمین، به مهم‌ترین اصل حکومت‌داری تبدیل شده است. در واقع دموکراسی اخوانی به‌عنوان یک نظام سیاسی مبتنی بر تشکیل حکومت پارلمانی با محوریت اصل شورا است. از نظر قرضاوی همان‌طور که قرآن به حاکم دستور مشورت با مردم داده، مردم را نیز به سبب مشورت ستوده است، پس این حق مردم است که مراقب رفتار حاکمان خود باشند. ضرورت مشورت بین مردم بر اساس قرآن و سنت فعلی و قولی رسول الله (ص) و اجماع مسلمانان می‌باشد که مهم‌ترین مورد آن «انتخاب حاکم» است. بدین ترتیب از نظر اخوان‌المسلمین در دوره جدید، راهکار پیشرفته جلوگیری از استبداد در دموکراسی نهفته است: «دشمنان اسلام که می‌دانند در سایه دموکراسی این امکان وجود دارد که مسلمانان بتوانند به درجات بالای نظام دست یافته، اسلام را به‌طور کامل عملی و حکومت اسلامی را بر پایه اراده مردم برقرار کنند، همواره به‌وسیله کودتاها جلوی شکل‌گیری دموکراسی واقعی را گرفته‌اند» (قرضاوی، ۲۰۱۳: ۱۵۸).

۴- مشارکت در انتخابات و حق تعیین سرنوشت

یکی از ویژگی‌های بارز جریان اخوان‌المسلمین پذیرش چارچوب‌های دموکراتیک به‌عنوان راهی برای دستیابی به قدرت و تعامل با سایر گروه‌های سیاسی است. در واقع علی‌رغم وجود استراتژی مبارزه در این جریان، تقویت روند مبارزه دموکراتیک و حضور در قدرت از طریق سازوکارهای دموکراتیک مدنظر قرار گرفته است (واعظی، ۱۳۹۱: ۳۹۴). حسن البنا با بیان نقش «اهل حل و عقد» بر نظام پارلمانی صحه گذاشته و سازوکارهای جدید حکومت‌داری را در تضاد با اسلام نمی‌بیند. از نظر وی اهل حل و عقد در زمینه‌های مختلف به حکومت مشاوره می‌دهد و می‌تواند نقش قانون‌گذاری را برعهده بگیرد. بر این اساس نظام پارلمانی راه دستیابی، چگونگی انتخاب و شیوه‌های مختلف اهل حل و عقد را مشخص می‌کند (ابراهیم علی، ۱۹۹۹: ۲۴۶).

حسن البنا در این زمینه بیان می‌دارد:

«اگر منظور از دموکراسی، نظامی است که از قواعد اساسی جامعه اسلامی از جمله دین، خانواده، آزادی معاملات و حقوق افراد دفاع کند، به‌طوری که قوانین برای حمایت از ضعیفان و کمک به آنان باشد و حکومت حق داشته باشد که در امور

عمومی طوری مداخله کند که رسیدن به اصلاحات اجتماعی را میسر سازد، اگر مقصود از حکومت و دموکراسی، آن است که ملت در حکومت به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مشارکت داشته باشد، بر این اساس که همه افراد حق مشارکت در امور کشور را دارند. اگر مقصود از نظام دموکراسی این مفاهیم باشد، ما به دموکراسی خوش آمد می‌گوییم، زیرا این بخشی از آن چیزی است که اسلام حنیف ارمغان آورده است.» (البناء، بی تا، الف: ۱۸۵).

سید قطب نقش مردم در انتخابات و حق تعیین سرنوشت خود را منحصراً انتخاب مجریان در اقدام به اجرای قانون شریعت می‌داند. وی حق قانون‌گذاری را مختص شرع مقدس دانسته که مردم در آن نقشی ندارند (قطب، بی تا، ۱۷-۱۶). در واقع نگاه سید قطب درباره دموکراسی ادامه دهنده اندیشه «مودودی» است که معتقد است دموکراسی در اسلام جایگاه و منزلتی ندارد. سید قطب نیز نظام دموکراسی را با استناد به برخی آیات قرآنی از جاده دین منحرف می‌داند. در مقابل محمدمهدی عاکف دموکراسی درست را آن شکل از دموکراسی می‌داند که به قوانین خداوند پای‌بند باشد، چرا که در اساسنامه اخوان المسلمین شریعت منبع اصلی مشروعیت است: «دموکراسی ما آزادی کامل را به فرد اطمینان می‌دهد با این شرط که او مجاز به انجام آنچه از نظر شریعت حرام است، نمی‌باشد و در عین حال از آنچه حلال است، منع نشده است» (Mecham, 2009: 192). در واقع جمعیت اخوان المسلمین پس از تحولات سال ۲۰۱۱، پیدایی حکومت‌های عرفی مردم‌سالار را زمینه‌ای برای مشارکت این جریان در قدرت می‌دانند. از سوی دیگر اخوان در دوره کنونی به موانع و حساسیت‌های داخلی و خارجی فراوان ایجاد حکومت اسلامی در بیشتر کشورهای عربی واقف است. به همین دلیل اخوان المسلمین نوین دموکراسی را سیستمی باز در مقابل دیکتاتوری برای همه افکار و عقاید می‌داند که در آن هیچ‌کس از انتقاد مصون نیست. از نظر آن‌ها دموکراسی با نمایان ساختن کاستی‌ها و مشکلات، اشتباهات را کاهش می‌دهد، در حالی که در دیکتاتوری همه باید بدون بحث و انتقاد تصمیمات اتخاذ شده توسط یک نفر را اطاعت و اجرا کنند.

۵- تحزب و فعالیت سیاسی

اخوان المسلمین ابتدا با شیوه‌های پارلمان‌تاریستی و حزبی مخالف بود زیرا تحزب را سرچشمه شرارت‌ها و مفاسد سیاسی و اجتماعی می‌دانست که با اصول اساسی اسلام سازگاری ندارد. اما به-

تدریج در این مفهوم تجدیدنظر کرده و به رویکرد حزب تکثرگرا نزدیک شدند. این تحول در مارس ۱۹۹۴ با انتشار دو بیانیه مهم و رسمی درباره «زنان مسلمان در جامعه اسلامی؛ شورا و نظام حزبی» صورت گرفت (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). حسن البنا مخالف سرسخت آزادی احزاب سیاسی بود و آن‌ها را به دلیل ایجاد فساد اجتماعی، بزرگ‌ترین اشتباه و تهدیدی بالقوه برای وحدت جهان اسلام می‌دانست. از نظر وی حزب و فعالیت حزبی جز ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی دستاورد دیگری ندارد:

«روزگاری وضعیت امت ایجاب می‌کرد که آن‌ها به نام امت سخن بگویند و حقوق ملی امت را درخواست کنند، اما امروز چنین نیست؛ راهی برای شیوه‌های تقریبی وجود ندارد و اضمحلال این احزاب گریزناپذیر است. قوای امت باید در یک حزب گرد آیند و برای برقراری مجدد استقلال و آزادی به کار گرفته شوند. در واقع علت مخالفت البنا با تحزب‌گرایی به پیامدهای نامطلوب، تفرقه‌افکنانه و پراکندگی آن زمان مصر برمی‌گشت: «احزاب موجود در مصر در مظاهر و امور شخصی با هم اختلاف دارند که به هیچ وجه مورد توجه و عنایت اخوان المسلمین نیست و دعوت و رسالت خود را که میراث رسول خداست، بسیار گرامی‌تر از این قضایا و منزلت‌های حزبی به شمار می‌آورد.» (البنا، بی‌تا، ب: ۲۲۸-۲۲۶)

اما یوسف قرضاوی برخلاف البنا و سیدقطب مانع شرعی و فقهی جهت تشکیل احزاب و تعدد آن‌ها در درون حکومت اسلامی نمی‌بیند. قرضاوی معتقد است دوره دیدگاه اجتهادی «امام البنا» درباره ضرورت انحلال احزاب سیاسی در راستای ایجاد ائتلافی واحد که بار مسئولیت آزادسازی، استقلال و اصلاحات را بر دوش کشد و از پراکندگی که دشمنان از آن سود می‌برند دوری کند، به پایان رسیده است. مخالفت حسن البنا بر واقعیت احزاب سیاسی در زمان خود و نیاز مردم مصر به وحدت و یکپارچگی همه نیروهای ملی برای رویارویی با اشغال‌گران انگلیسی قرار داشته است (قرضاوی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). این دیدگاه نشان‌دهنده عقب‌نشینی قرضاوی از نظریه حکومت اسلامی و نزدیک شدن به نظریه دولت اسلامی است. چرا که وی دگرگونی در ساختار سیاسی را تنها از طریق مشارکت سیاسی رسمی و فعالیت حزبی می‌داند. این تغییر رویکرد با ظهور اندیشه‌های نو توسط اعضای اصلاح طلب و اعتراض و جدایی اعضای جوان‌تر و میانه‌رو اخوان در سال‌های منتهی به انقلاب مصر منجر شد که اخوان المسلمین برای اولین بار اعلام کند می‌خواهد چارچوب حزبی تمام‌عیاری به خود

بگیرد که منجر به تدوین اساسنامه و فعالیت سیاسی حزبی شود (اصلائی و مرنیدی، ۱۳۹۳: ۹۲-۹۱). این تأکید با اندیشه‌های بنیادین این جریان مانند نظام شورایی و انحصارگرایی حزبی متقابل است. زیرا اصل در نظام شورایی مرکزیت قدرت حاکم و اعطای تصمیم‌گیری پایانی به آن است و استفاده از دیدگاه‌های دیگر افراد و گروه‌ها به انگیزه بهینه‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد. در واقع تحول در ایدئولوژی اخوان المسلمین، بیش از هر چیز خود را در نظام احزاب سیاسی مورد نظر آن‌ها نشان می‌دهد. در حالی که رهبران نسل اول اخوان احزاب سیاسی را عامل ایجاد تفرقه و جدایی مسلمانان می‌دانستند، نسل جدید رهبران تاکتیک‌های جمعیت را تغییر داده‌اند. امروزه اخوان معتقد به نظام کامل حزبی آزاد و قابل رقابت برای فعالیت و مشارکت انتخاباتی است. این تحول در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین و نوع مواجهه آن با نظام‌های سیاسی، موجب پذیرش تکثرگرایی سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک به‌عنوان حقوق انسانی پذیرفته شده در اسلام از جانب این گروه شده است. اخوان در ابتدا به دلیل تجارب دشوار حاکمیت جمهوری‌های ریاستی، تأکید خاصی بر قدرت پارلمان و نظام پارلمانی در مقابل نظام ریاستی داشت (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). اما مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۲ و به‌دست آوردن منصب ریاست جمهوری توسط محمد مرسی و اقدامات وی ثابت کرد از این مرحله عبور کرده و با کسب قدرت سیاسی، نظام ریاستی را پذیرفته است.

۶- برخورداری از حقوق و آزادی‌های عمومی

جمعیت اخوان المسلمین حمله به آزادی بشر و تضعیف آن را یک چالش برای اراده خالق می‌داند که آزادی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. آزادی حق طبیعی انسان است و معنای زندگی برای انسان را به وجود می‌آورد. در این دیدگاه آزادی پایه ایمان در راستای تحقق عدالت است به‌طوری که تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی را شامل می‌شود. بنابراین کسانی که در قدرت هستند باید از آزادی‌های خود محافظت کنند و شرایط را برای آزادی مردم فراهم نمایند. اما اخوان آزادی را مطلق نمی‌داند، بلکه آن را در چارچوب اصول شریعت قرار می‌دهد، زیرا آزادی مطلق به معنای هرج و مرج است (یاسین عبدالله، ۲۰۱۴: ۱۰). محدودیت‌های آزادی از دیدگاه اخوان المسلمین عبارتند از:

- آزادی نباید یکپارچگی نظم عمومی را تهدید کند؛
- آزادی نباید آزادی دیگران را محدود کند؛

در واقع جنبش اخوان المسلمین با ارائه روایت خاصی از اسلام، درصدد آن هستند که تعاریف جدیدی از حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که در دموکراسی‌های غربی رایج است مطرح نمایند. آن‌ها با تأکید بر اصول و معیارهای کلان شریعت مانند عدالت، آزادی، حقوق مردم و شورا بر کم‌اهمیتی و نقش کمتر فروع و مسائل خرد شریعت مانند حجاب پافشاری می‌کنند. همچنین بر لزوم قوانین دولتی در اجرای احکام شریعت، اختیار و آزادی افراد و شهروندان در اجرای شریعت، پرهیز دولت از انحصارگرایی، ضرورت آزادی‌هایی مانند آزادی بیان و رسانه‌ها، آزادی مذهبی، عدم تبعیض نژادی، مذهبی و اصل برابری شهروندان تأکید دارند (واعظی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). تضمین آزادی عقیده و بیان از سویی به تبلیغ و رواج مبانی اعتقادی این جنبش (دعوت به اسلام سنت سلف صالح) می‌انجامد اما از سوی دیگر، گروه‌های مخالف دین از محیط آزاد به سود گستراندن آموزه‌ها و اندیشه‌های خود بهره می‌گیرند که شاید با آموزه‌های دینی ناسازگار باشد. از همین روی، اخوان می‌کوشد با قیدهایی مانند حفظ آداب عمومی و مبانی اساسی، آزادی اندیشه را به ناسازگاری‌اش با عقیده همه مسلمانان مقید کند (عطایی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). این جنبش همچنین بر آزادی اجتماعات و مشارکت در آن‌ها تأکید می‌کند. نمونه‌هایی از آزادی اجتماعی که به امنیت عمومی آسیب می‌رساند و به گسترش خشونت کمک می‌کند از دید اخوان پذیرفته نیست. اگرچه برگزاری آئین و آزادی اقلیت‌های دینی و مذهبی در اجرای شعائر دینی‌شان، به دلایل خاصی نزد اخوان پذیرفته است و بر آن تأکید دارند (البنّا، ۱۹۹۲: ۱۳۰).

۷- حق انتقاد و اعتراض

در اندیشه سیاسی حسن البنا عنصر جهاد و انقلاب به‌عنوان نوعی اعتراض علیه دولت پذیرفته شده است. با این حال اولویت اصلی با در نظر گرفتن روش‌های اصلاحی و اندازی است و انقلاب و جهاد آخرین وسیله برای برکناری دولت نامشروع محسوب می‌گردد. در واقع وی برخلاف دیدگاه‌های سنتی، اصل قیام در برابر حکومت جائز و فاسد را مشروط به مناسب بودن شرایط و اثربخش نبودن به کارگیری روش‌های اصلاحی می‌داند. سیدقطب نیز جهاد را مهم‌ترین فریضه دینی مسلمانان علیه کفار دانسته و آن را عنصر مهمی در برپایی حکومت اسلامی می‌داند. قطب اعتقاد دارد جنگ امری نهادینه شده در زندگی مسلمانان است و فقط مربوط به دوره گذار نیست. وی لازمه اطاعت مردم از حاکم را در اقامه شریعت و قانون الهی توسط حکومت می‌دانست و اعتقاد داشت اسلام با

صراحت اطاعت مسلمانان از حاکمی که بر اساس حکم خداوند عمل نمی‌کند را نهی کرده است (قطب، ۱۳۷۲: ۸۳). اما یوسف قرضاوی معتقد است که با استفاده از ابزارهای جدیدی نظیر احزاب و پارلمان که دموکراسی در اختیار مردم نهاده است امکان اعتراض از طریق مسالمت‌آمیز وجود دارد و جایی برای قیام یا جهاد باقی نمی‌ماند (قرضاوی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

نتیجه‌گیری

اندیشه سیاسی جریان اخوان المسلمین در قرن ۲۱ در سنجش با گذشته تاریخی آن در جهان اسلام بسیار متحول شده است. تلاش نخستین مؤسسان و رهبران اخوان بازگشت به اندیشه خلافت اسلامی معطوف بود، اما پس از چند دهه به‌ویژه در دوره معاصر اهداف اخوان تغییر کرد. این اهداف به ایجاد دولت و نظام سیاسی به‌شیوه مدرن و دموکراتیک روی آورد. ایدئولوژی جدید اخوان دربرگیرنده هدف اساسی این جریان مبنی بر تأسیس یک دولت مبتنی بر شریعت همراه با نظام دموکراتیکی است که حمایت از طیف وسیعی از آزادی‌های مدنی را در دستور کار خود دارد. در همین راستا نیز نقش مردم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان در اندیشه و نظام سیاسی مدنظر اخوان المسلمین به یک عنصر محوری تغییر یافته است.

اگرچه همه رهبران اخوان عموماً نگرش دموکراسی اخوانی را پذیرفته‌اند اما این ایده بیشتر در میان نسل جوان‌تر آن رواج پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که حسن البنا به‌عنوان بنیان‌گذار و رهبر نسل پیشین دیدگاه نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای به حزب و فعالیت سیاسی دارد و سیدقطب اندیشه خود را بر اساس مخالفت با دیدگاه‌های رایج سرمایه‌داری و کمونیستی و در واکنش به دنیای غرب و شرق ارائه داده است. بنابراین انقلابی مهم در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در طول دو دهه اخیر اتفاق افتاده است که این انقلاب پشتوانه‌ای اساسی برای مشارکت انتخاباتی فعال در سیستم قانونی و رسمی مصر فراهم کرده بود. ایدئولوژی سیاسی معاصر اخوان، مفهوم دولت مدنی است که از آزادی‌های مدنی و حکومت قانون در قالب شریعت اسلام دفاع می‌کند و این دولت تنها از طریق مشارکت سیاسی فعال نیروهای اسلام‌گرا در انتخابات، تشکیل خواهد شد. برای همین شیخ یوسف قرضاوی با تفکری نرم‌تر و مصلحانه به نظر مردم اهمیت داده و تأسیس حکومت اسلامی را منوط به خواست و اراده مردم جامعه اسلامی می‌داند. به‌واقع تأکید اخوان المسلمین بر پذیرش مسائل و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم نشان دهنده آگاهی و اهمیت در قالب واقعیت‌های موجود برای جلب رضایت

شهروندان در راستای کسب مشروعیت سیاسی و اجتماعی است. همین امر به اتخاذ مشی و رویکردهای جدید سیاسی و اجتماعی این جریان با حفظ چارچوب‌ها و اصول اسلامی بر پایه رضایت عمومی و تفکرات مدرن سیاسی منجر شده است.

اندیشه سیاسی اخوان‌المسلمین در ساحت‌های گوناگونی دستخوش تحول گشته که زمینه را برای حضور و نقش پررنگ‌تر مردم در حکومت فراهم می‌آورد. برای مثال شیخ یوسف قرضاوی معتقد است در اسلام، حاکم وکیل خداوند و دارای حق الهی در روی زمین نیست و اگر شرایط نصب را از دست داد، عزلش می‌کنند. در واقع وی اصل حاکمیت خداوند که اساس قانون‌گذاری و تشریح در جامعه اسلامی می‌باشد را با اصل حاکمیت مردم که بر پایه دموکراسی و مردم‌سالاری استوار است در تضاد نمی‌بیند. تحول دیگر در اندیشه اخوان را می‌توان در رویکرد این جنبش به مفهوم امت اسلامی مشاهده کرد. اخوان‌المسلمین از آغازین روزهای تأسیس، مفهوم «امت» را پررنگ‌تر از مفهوم «ملت» دنبال کرده است اما می‌توان رگه‌هایی از «ملی‌گرایی عربی» را در دیدگاه مؤسس این جریان پیدا کرد. بدین ترتیب طی روندی با تشکیل و به رسمیت یافتن شعبه‌های بومی و ملی اخوان‌المسلمین، این جریان با کاستن از نقش جهانی خود (امت‌گرایی) تمرکز بیشتری به مسائل داخلی (ملی‌گرایی) داشته است.

اصل شورا نیز در اندیشه اخوان پررنگ است؛ به نظر متفکران اخوانی فلسفه شورا در اسلام، کنترل مردم بر مردم در چارچوب قوانین الهی است. پس باید این نکته را در نظر داشت که اولویت با اعمال و اجرای شریعت اسلام نه حکومت شخص یا طبقه‌ای خاص است. اصل شورا که در نظریه‌های سُنّتی اهل سُنّت تحت‌الشعاع اصل خلافت و شخص خلیفه قرار داشت. اما در نظریه‌های جدید اسلام‌گرایی و به‌ویژه تئوری‌های میانه‌روی نظیر اخوان‌المسلمین، به مهم‌ترین اصل حکومت‌داری تبدیل شده است. در واقع دموکراسی اخوانی به‌عنوان یک نظام سیاسی مبتنی بر تشکیل حکومت پارلمانی با محوریت اصل شورا است. بدین ترتیب از نظر اخوان‌المسلمین در دوره جدید، راهکار پیشرفته جلوگیری از استبداد در دموکراسی نهفته است.

یکی از ویژگی‌های بارز جریان اخوان‌المسلمین پذیرش چارچوب‌های دموکراتیک به‌عنوان راهی برای دستیابی به قدرت و تعامل با سایر گروه‌های سیاسی است. در واقع علی‌رغم وجود استراتژی مبارزه در این جریان، تقویت روند مبارزه دموکراتیک و حضور در قدرت از طریق سازوکارهای دموکراتیک مدنظر قرار گرفته است. اخوان‌المسلمین ابتدا با شیوه‌های پارلماناریستی و حزبی مخالف

بود زیرا تحزب را سرچشمه شرارت‌ها و مفساد سیاسی و اجتماعی می‌دانست که با اصول اساسی اسلام سازگاری ندارد. در حالی که رهبران نسل اول اخوان احزاب سیاسی را عامل ایجاد تفرقه و جدایی مسلمانان می‌دانستند، نسل جدید رهبران تاکتیک‌های جمعیت را تغییر داده‌اند. امروزه اخوان معتقد به نظام کامل حزبی آزاد و قابل رقابت برای فعالیت و مشارکت انتخاباتی است. این تحول در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین و نوع مواجهه آن با نظام‌های سیاسی، موجب پذیرش تکثرگرایی سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک به‌عنوان حقوق انسانی پذیرفته شده در اسلام از جانب این گروه شده است. اخوان در ابتدا به‌دلیل تجارب دشوار حاکمیت جمهوری‌های ریاستی، تأکید خاصی بر قدرت پارلمان و نظام پارلمانی در مقابل نظام ریاستی داشت. اما مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۲ و به‌دست آوردن منصب ریاست جمهوری توسط محمد مرسى و اقدامات وی ثابت کرد از این مرحله عبور کرده و با کسب قدرت سیاسی، نظام ریاستی را پذیرفته است.

حقوق و آزادی‌های عمومی از دیگر مواردی است که در اندیشه اخوان دچار تحول شده است. جمعیت اخوان المسلمین حمله به آزادی بشر و تضعیف آن را یک چالش برای اراده خالق می‌داند که آزادی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد. آزادی حق طبیعی انسان است و معنای زندگی برای انسان را به‌وجود می‌آورد. در این دیدگاه آزادی پایه ایمان در راستای تحقق عدالت است به‌طوری که تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی را شامل می‌شود. بنابراین کسانی که در قدرت هستند باید از آزادی‌های خود محافظت کنند و شرایط را برای آزادی مردم فراهم نمایند. اما اخوان آزادی را مطلق نمی‌داند، بلکه آن را در چارچوب اصول شریعت قرار می‌دهد، زیرا آزادی مطلق به‌معنای هرج و مرج است. در واقع جنبش اخوان المسلمین با ارائه روایت خاصی از اسلام، درصدد آن هستند که تعاریف جدیدی از حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که در دموکراسی‌های غربی رایج است، مطرح نمایند.

از دیگر مسائلی که در اندیشه اخوان دچار تحول شده، حق اعتراض و قیام برعلیه حاکم می‌باشد. در اندیشه سیاسی حسن البنا عنصر جهاد و انقلاب به‌عنوان نوعی اعتراض علیه دولت پذیرفته شده است. با این حال اولویت اصلی با در نظر گرفتن روش‌های اصلاحی و انذار است و انقلاب و جهاد آخرین وسیله برای برکناری دولت نامشروع محسوب می‌گردد. در واقع وی برخلاف دیدگاه‌های سنتی، اصل قیام در برابر حکومت جائز و فاسد را مشروط به مناسب بودن شرایط و اثربخش نبودن به‌کارگیری روش‌های اصلاحی می‌داند. سیدقطب نیز جهاد را مهم‌ترین فریضه دینی مسلمان علیه کفار دانسته و آن را عنصر مهمی در برپایی حکومت اسلامی می‌داند. اما یوسف قرضاوی معتقد

است که با استفاده از ابزارهای جدیدی نظیر احزاب و پارلمان که دموکراسی در اختیار مردم نهاده است امکان اعتراض از طریق مسالمت‌آمیز وجود دارد و جایی برای قیام یا جهاد باقی نمی‌ماند.

منابع

الف- منابع فارسی

- ابراهیم علی، حیدر (۱۹۹۹)، التيارات الاسلاميه و قضيه الدمقراطيه، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربيه.
- آقایی، بهمن و صفوی، خسرو (۱۳۶۵)، تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش اخوان- المسلمین در یک قرن اخیر، تهران: رسام.
- البنا، حسن (۱۹۹۲)، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البنا، قاهره: دارالتوزيع و النشر الاسلاميه.
- البنا، حسن (بی‌تا)، نحو النور، بيروت: الرسالة.
- البنا، حسن (بی‌تا)، بین الامس و اليوم، بيروت: الرسالة.
- جنتی، علی (۱۳۹۰)، پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی اخوان‌المسلمین، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴)، تاریخ نهضت‌های دینی و سیاسی معاصر، تهران: انتشارات زوار.
- دکمیجان، هریر (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- عاکف، محمدمهدی (۱۳۸۹)، اخوان‌المسلمین، تهران: باشگاه اندیشه.
- علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، دوره ۱۹ جلدی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی.
- علیخانی، مهدی (۱۳۸۸)، جنبش اخوان‌المسلمین، تهران: باشگاه اندیشه.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴)، اخوان‌المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی؛ از برآمدن حسن البنا تا

- برافتادن محمد مرسی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۱۹)، من فقه الدوله فی الاسلام، القاهره: دارالشرق.
- قرضاوی، یوسف (۲۰۱۳)، الدین و السياسه، الطبعه الثانيه، قاهره: نشر دارالشرق.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰)، فقه سیاسی، تهران: بی‌نا.
- قطب، سید (۱۳۷۲)، ما چه می‌گوییم؟، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قطب، سید (۱۹۵۳)، دراسات الاسلامیه، قاهره: مکتبه لجنه الشباب المسلم.
- قطب، سید (بی‌تا)، معالم فی الطریق، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
- موسی‌الحسینی، اسحاق (۱۳۸۷)، اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میشل، ریچارد (۱۳۹۵)، جمعیت اخوان المسلمین، ترجمه و توضیحات سیدهادی خسروشاهی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- نقوی، علی محمد (۱۳۶۰)، مقدمه‌ای بر نهضت‌شناسی از حسن البنا تا خالد اسلامبولی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- واعظی، محمود (۱۳۹۱)، بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه؛ نظریه‌ها و روندها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- یاسین عبدالله، لوکا عبدالله محمدعلی (۲۰۱۴)، اندیشه سیاسی اخوان المسلمین و کار ویژه آن پس از انقلاب ۲۵ ژانویه، بی‌جا: مرکز دموکراتیک عرب.
- اخلاقی‌نیا، مهدی (۱۳۸۹)، «مقایسه اندیشه‌های سلفی اخوان با سلفی‌های جهادی - تکفیری»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۴، صص ۱۱۰-۱۳۱.
- اصلانی، فیروز و مرندی مریم (۱۳۹۳)، «بررسی تحولات اندیشه دولت اسلامی نزد اخوان المسلمین از آغاز جنبش تا پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر»، نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال

چهارم، شماره ۱، صص ۹۵-۷۵.

- رادگودرزی، معصومه (۱۳۹۲)، «سیر تحول ایدئولوژیک اخوان المسلمین مصر و چالش‌های پیش‌رو»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۷، صص ۱۸۳-۱۴۹.
- زغال، ملیکه (۱۳۸۰)، «دین و سیاست در مصر؛ علمای الأزهر اسلام افراطی و دولت (۹۴-۱۹۵۲)»، ترجمه عباس کاظمی نجف‌آبادی، مجله اندیشه صادق، شماره ۳ و ۴، صص ۱۳۰-۱۱۳.
- صادقی، هادی و چیت‌سازیان محمدرضا (۱۳۹۲)، «رویکرد اخوان‌المسلمین در قبال فرآیند دموکراسی در مصر»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲، صص ۶۹-۴۷.
- عطایی، عبدالله و قاسمی، بهزاد (۱۳۹۳)، «بسترهای تاریخی تحول گفتمان سیاسی اخوان‌المسلمین مصر با تأکید بر مسئله نظام سیاسی»، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۱۳-۸۹.
- قوی، نیره (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌شناسی مردم‌سالاری دینی در اندیشه متفکران اهل سنت»، نشریه سیاست، دوره چهل و پنجم، شماره ۴، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- قربانزاده، قربانعلی، فائضی‌نیا، فریدون و ترابی سمیه (۱۳۹۶)، «مقایسه تطبیقی خط‌مشی سیاسی سلفیت اصلاحی - تنویری و سلفیت جهادی - تکفیری»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۳-۱.
- هدایت، احمد (۱۳۸۶)، «نگاهی به چگونگی پیدایش و تشکیل جنبش اسلامی در مصر»، مطالعات آفریقا، شماره ۱۵، صص ۲۹-۱۸.

ب- منابع لاتین

Howeidy, A. (1995, March 2001) Soldiers of the shari'a, Al Ahram Weekly. Available at: <http://weekly.ahram.org.eg/archives/parties/muslimb/sharia.htm>. (accessed on 2012, March 15).

Mecham, Quinn and Harnisch, Chris (2009): Democratic Ideology in Islamist Opposition? The Muslim Brotherhood's 'Civil State', *routledge press*, vol.45, no.2, pp: 189-205.